

فلسفه و منطق

۱- گزینه «۲» - استدلال قیاسی که از دو قضیه حملی تشکیل می‌شود و نتیجه آن نیز یک قضیه حملی است را قیاس اقترانی حملی می‌گویند که به جزء مشترک میان دو قضیه «حدوسط» می‌گویند مانند
هر الف ب است و هر ب ج است پس هر الف ج است.

قضیه اول قضیه دوم نتیجه

بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱» و «۲»: موضوع و محمول اجزاء یک قضیه حملی هستند نه یک استدلال که ترکیبی از حداقل دو قضیه است.

گزینه «۴»: قضیه عام‌تر از قضیه حملی است و شامل قضایای شرطی نیز می‌شود و جزء مشترک در مقدمات استدلال را حدوسط می‌گویند که یک مفهوم است نه یک قضیه. (لطفی) (منطق دهم - درس هشتم - قیاس اقترانی - صفحه ۷۲)

۲- گزینه «۲» - حدوسط یعنی «جسم» در هر دو مقدمه محمول واقع شده است در چنین حالتی از موقعیت حدوسط در دو مقدمه را، شکل دوم قیاس اقترانی می‌گویند. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «حدوسط یعنی انسان، به صورت (موضوع - محمول) است = شکل چهارم

گزینه «۳»: «حدوسط یعنی جسم، به صورت (محمول - موضوع) است = شکل اول

گزینه «۴»: «حدوسط یعنی انسان، به صورت (موضوع - موضوع) است = شکل سوم

(لطفی) (منطق دهم - قیاس اقترانی - شکل قیاس‌های اقترانی - صفحه ۷۲ و ۷۳)

۳- گزینه «۴» - بعضی «الف» «ب» است / هیچ «الف» «ب» نیست.

- در موجه جزئی علامت موضوع به واسطه‌ی جزئی بودن سور منفی و علامت محمول به واسطه موجه بودن فعل منفی است.

- در سالبه کلی علامت موضوع به واسطه کلی بودن سور مثبت و علامت محمول به واسطه سالبه بودن فعل مثبت است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: «موجه کلی (+ / -) و سالبه جزئی (- و +) است.

گزینه «۲»: برعکس گزینه یک است.

گزینه «۳»: ترتیب صورت سؤال در گزینه رعایت نشده است. (لطفی) (منطق دهم - درس هشتم - قیاس اقترانی - دامنه مصادیق موضوع و محمول - صفحه ۷۲ و ۷۶)

۴- گزینه «۱» - هرگاه حدوسط در هر دو مقدمه محمول واقع شود شکل دوم است. با مثالی از شکل دوم متوجه خواهیم شد که با ترکیب موجه کلی به عنوان مقدمه اول و موجه جزئی به عنوان مقدمه دوم قیاس به واسطه منفی بودن علامت حدوسط در هر دو مقدمه، قیاس نامعتبر خواهد بود.

+ - - -

هر ایرانی آسیایی است و بعضی مسلمانان آسیایی هستند.

+

پس هر ایرانی مسلمان است ← نامعتبر به واسطه عدم رعایت شرط دوم

پس بعضی ایرانی‌ها مسلمان هستند ← نامعتبر به واسطه عدم رعایت شرط دوم یعنی هر دو علامت حدوسط (آسیایی) منفی است.

(لطفی) (منطق دهم - درس هشتم - قیاس اقترانی - شرایط معتبر بودن قیاس - صفحه ۷۲ و ۷۷)

۵- گزینه «۴» - شرط اول برای نتیجه‌گیری از یک قیاس، تکرار حدوسط (به صورت لفظی و معنایی) است تا دو قضیه با یکدیگر ارتباط پیدا کنند در غیر این صورت فرد دچار مغالطه عدم تکرار حدوسط می‌شود. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱» و «۲»: به شرایط معتبر بودن قیاس مربوط می‌شود نه نتیجه‌گیری.

گزینه «۳»: کم و زیاد نشدن حدوسط به عدم تکرار حدوسط به جهت لفظی مربوط می‌شود نه معنایی پس کامل نیست و خاص‌تر از پاسخ درست

در گزینه «۴» است. (لطفی) (منطق دهم - درس هشتم - قیاس اقترانی - شرایط حدوسط - صفحه ۷۲، ۷۴ و ۸۲)

۶- گزینه «۳» - در قضایای شرطی متصل، ممکن است جای اجزای قضیه یعنی مقدم و تالی عوض شود بنابراین باید توجه داشت که مقدم لزوماً نباید در ابتدای قضیه بیاید بلکه ممکن است در گفتار و لفظ جای مقدم و تالی تغییر نموده باشد ولی از نظر معنا مقدم همواره مقدم است و تالی دنباله مقدم است. بررسی سایر گزینه‌ها:

گزینه «۱»: ساختار قضایای شرطی متصل به صورت (اگر آن‌گاه) است.

گزینه «۲»: موضوع و محمول و نسبت سه جزء قضیه حملی هستند نه قضیه شرطی

گزینه «۴»: تالی به لحاظ معنا لزوماً دنباله مقدم است نه به لحاظ لفظ و گفتار

(لطفی) (منطق دهم - قضیه شرطی و قیاس استثنایی - قضیه شرطی متصل - صفحه ۸۵ و ۸۶)

- ۷- گزینه «۲» - قضیه انسان یا باسواد است یا بی‌سواد یک قضیه شرطی منفصل حقیقی است زیرا انفصال میان دو بخش آن انفصال حقیقی و تمام است و هم‌زمان صادق و هم‌زمان کاذب بودن هر دو بخش ممکن نیست. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: در قضیه شرطی متصل، گاهی در مکالمات روزمره لفظ اگر و آن‌گاه ذکر نمی‌شود یا الفاظ دیگری به جای آن‌ها به کار می‌روند.
- گزینه «۳»: منفصل مانع‌الجمع است چون فقط درست بودن هر دو طرف به صورت هم‌زمان محال است ولی غلط بودن هر دو ممکن است یعنی ممکن است فرد عشایر باشد که نه شهرنشین است و نه روستائین.
- گزینه «۴»: درست بودن هم‌زمان هر دو ممکن است ولی غلط بودن هم‌زمان هر دو محال است که به این‌گونه قضایا شرطی منفصل مانع‌الرفع یا مانع‌الخلو می‌گویند. (لطفی) (منطق دهم - درس نهم - قضیه شرطی و قیاس استثنایی - اقسام قضیه شرطی - صفحه ۸۵ تا ۸۸)
- ۸- گزینه «۴» - در قیاس استثنایی متصل دو حالت معتبر است: وضع مقدم و رفع تالی و دو حالت دیگر نامعتبر است و نتیجه‌گیری از آن باعث مغالطه می‌شود: رفع مقدم و وضع تالی.
- که این استدلال مغالطه وضع تالی بدین‌صورت بوده است که: ماه نورانی است (وضع تالی) پس ماه ستاره است (اثبات عین مقدم)
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: مغالطه تقسیم در کتاب نیامده است.
- گزینه «۲»: مغالطه ایهام انعکاس به اشتباه در عکس کردن قضایا مربوط می‌شود.
- گزینه «۳»: در مغالطه رفع مقدم، نقیض مقدم استثنا می‌شود و نقیض تالی نتیجه‌گیری می‌شود.
- (لطفی) (منطق دهم - درس نهم - قضیه شرطی و قیاس استثنایی - قیاس استثنایی اتصالی - صفحه ۸۵، ۹۰ و ۹۱)
- ۹- گزینه «۱» - دانشمندان و متفکرین پیش از سقراط (فلاسفه نخستین) از اولین کسانی بودند که درباره شناخت انسان و ارزش و اعتبار آن نظر داده‌اند هرچند در این دوره معرفت‌شناسی به صورت مستقل مطرح نبود. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۲»: متفکران پیش از سقراط، صحیح است نه پس از سقراط
- گزینه «۳»: بیشتر دانشمندان پیش از سقراط (فلاسفه و اندیشمندان نخستین) به شناخت حسی اهمیت می‌دادند و توجه کمتری به شناخت عقلی داشتند.
- گزینه «۴»: عقیده پارمنیدس است نه هراکلیتوس. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس هشتم - نگاهی به تاریخچه معرفت - الف) دوره یونان باستان - صفحه ۵۸ و ۵۹)
- ۱۰- گزینه «۲» - از نظر سوفسطائیان که پروتاگوراس مشهورترین آن‌ها بود، ما اگر چیزی را حس می‌کنیم بدان معنا نیست که حس ما از یک واقعیت بیرونی خبر می‌دهد به عبارت دیگر، ما چیزی جز احساس (احساسات و مشاهدات درونی) در اختیار نداریم. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»، «۳» و «۴»: تعبیرهای کتاب درسی در مورد بی‌اعتباری کل معرفت از نظر سوفسطائیان است.
- (لطفی) (فلسفه یازدهم - نگاهی به تاریخچه معرفت - بی‌اعتباری کل معرفت - صفحه ۵۸ و ۶۰)
- ۱۱- گزینه «۱» - ملاصدرا راه شیخ اشراق (سهروردی) را تکمیل کرد و توانست به نحو مطلوبی از معرفت شهودی در کنار معرفت عقلی بهره ببرد.
- بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»، «۲»، «۳» و «۴»: تعبیرهای کتاب درسی در مورد معرفت‌شناسی ملاصدرا است.
- (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس هشتم - نگاهی به تاریخچه معرفت - بهره‌مندی از همه ابزارهای معرفت - صفحه ۵۸، ۶۲ و ۶۳)
- ۱۲- گزینه «۴»: فلاسفه دوره جدید در اروپا مانند فرانسیس بیکن و دکارت و جان لاک بر تجربه‌گرایی تأکید می‌ورزیدند و این تأکید از آن جهت اهمیت داشت که در دوره قرون وسطی کمتر به تجربه توجه می‌شد و علوم تجربی از عقب‌ماندگی فوق‌العاده‌ای رنج می‌برد. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: فرانسیس بیکن و دکارت صحیح است نه کانت
- گزینه «۲»: راجر بیکن قبل از قرن شانزدهم است (قرن سیزدهم) و فرانسیس بیکن صحیح است نه راجر بیکن
- گزینه «۳»: مسأله ابزار شناخت (تجربه یا عقل؟) مسأله مورد توجه است نه ماهیت شناخت.
- (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس هشتم - نگاهی به تاریخچه معرفت - توجه به تجربه - صفحه ۵۸ و ۶۴)
- ۱۳- گزینه «۳» - فایده داشتن و مفید بودن به معنای درست بودن است نه واقعیت داشتن چون از نظر پراگماتیست‌ها ما نباید هدف خود را کشف واقعیت قرار دهیم. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»، «۲» و «۴»: تعبیرهای کتاب درسی در مورد پراگماتیسم یا اصالت عمل است.
- (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس هشتم - نگاهی به تاریخچه معرفت - ظهور پراگماتیسم - صفحه ۵۸ و ۶۷)

- ۱۴- گزینه «۲» - نظریات انسان‌شناسی افلاطون به میزان زیادی منعکس‌کننده دیدگاه استاد وی یعنی سقراط نیز هست. بررسی سایر گزینه‌ها:
گزینه «۱» و «۴»: اولین بار بحث درباره انسان به‌طور دقیق و روشن توسط افلاطون بیان گردیده است.
- گزینه «۳»: ارسطو شاگرد افلاطون بوده است که نظر استاد خود افلاطون را در مورد این که قوه نطق و قابلیت حیات مربوط به نفس است نه بدن را پذیرفت. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس نهم - چیستی انسان (۱) - دوره یونان باستان - دیدگاه افلاطون و ارسطو - صفحه ۷۰ و ۷۲)
- ۱۵- گزینه «۳» - از نظر داروینیست‌ها: انسان چیزی نیست جز یک حیوان راست‌قامت با این تفاوت که از سایر حیوانات پیچیده تر است و از نظر ماتریالیست‌ها انسان فقط یک بُعد و ساحت دارد که همان بُعد جسمانی و مادی است پس انسان یک ماشین مادی بسیار پیچیده است نه چیزی فراتر از آن. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱» و «۲»: انسان حیوان راست‌قامت است ولی وقتی می‌گوییم چیزی نیست جز حیوان راست‌قامت مغالطه است.
- گزینه «۴»: ترتیب صورت سؤال در گزینه رعایت نشده است. (لطفی) (فلسفه یازدهم - درس نهم - چیستی انسان (۱) - انسان تک‌ساختی - صفحه ۷۰ و ۷۴)
- ۱۶- گزینه «۳» - تاریخ فلسفه با تاریخ عقل پیوندی ناگسستنی دارد و تحولات معنا و محدوده عقل در تحولات فلسفه تأثیر گذاشته است. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱» و «۴»: تحولات مربوط به وحی و ایمان بر فرهنگ دینی و معنوی تأثیرگذار بوده و با دیانت در ارتباط‌اند.
- گزینه «۲»: دیدگاه‌های هستی‌شناسی و جهان‌شناسی متأثر از عقل و استدلال‌های عقلی هستند. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هفتم - عقل در فلسفه (۱) - صفحه ۵۲)
- ۱۷- گزینه «۲» - ارسطو به عقل به‌عنوان قوه استدلال انسان توجه ویژه‌ای داشت و آن را ذاتی انسان (نه موجودات) می‌دانست به همین خاطر انسان را با مفهوم حیوان ناطق یعنی حیوان عاقل تعریف کرد. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱»: ارسطو قوه عقل را براساس کاری که انجام می‌دهد به عقل نظری و عقل عملی تقسیم کرد، قسمت دوم گزینه درست است در حالی که سؤال عبارت نادرست خواسته است.
- گزینه «۳» و «۴»: ارسطو به عقل در معنای قوه استدلال انسان توجه ویژه‌ای داشت نه در معنای وجود مجرد و متعالی و برتر از ماده. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هفتم - عقل در فلسفه (۱) - عقل در یونان باستان - ارسطو - صفحه ۵۲، ۵۵، ۵۶ و ۵۷)
- ۱۸- گزینه «۴» - ارسطو قوه عقل را بر اساس کاری که انجام می‌دهد به عقل نظری (بحث درباره اشیاء و موجودات و چگونگی آن‌ها) و به عقل عملی (بحث درباره رفتارهای اختیاری انسان و بایدها و نبایدهای او) تقسیم نمود. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۱» و «۲»: عقل عملی که علوم عملی حاصل آن است صرفاً به رفتارها و بایدها و نبایدهای اختیاری اعمال انسان مربوط می‌شود نه عموم موجودات. گزینه «۳»: ترتیب صورت سؤال در گزینه رعایت نشده است. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هفتم - عقل در فلسفه (۱) - عقل در یونان باستان - صفحه ۵۲، ۵۵ و ۵۶)
- ۱۹- گزینه «۱» - از نظر فیلسوفان مسلمانی همچون فارابی و ابن‌سینا اولین مخلوق خداوند عقل اول است که موجودی کاملاً روحانی و غیر مادی است و عقول دیگری نیز به ترتیب از عقل اول به وجود آمده‌اند. بررسی سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۲»: قسمت سوم گزینه نادرست است.
- گزینه «۳»: قسمت اول و دوم گزینه نادرست است.
- گزینه «۴»: هر سه قسمت گزینه نادرست است. (لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هشتم - عقل در فلسفه (۲) - عقل به‌عنوان موجود متعالی و برتر از ماده - صفحه ۵۹ و ۶۲)

۲۰- گزینه «۲» - عقل بالملکه: در این مرحله، عقل توانایی درک اولی از قضایای ضروری مانند محال بودن اجتماع ضدین یا اجتماع و ارتفاع نقیضین را پیدا می‌کند.

عقل بالمستفاد: در این مرحله، عقل انسان به دانش‌هایی که کسب کرده به گونه‌ای تسلط می‌یابد که از هر کدام که بخواهد می‌تواند استفاده کند مانند حل مسایل ریاضی توسط یک استاد ریاضی یا پاسخ‌گویی به مسایل پیچیده فلسفی توسط یک فیلسوف. بررسی سایر گزینه‌ها: گزینه «۱»: قسمت اول و سوم گزینه نادرست است.

گزینه «۳»: قسمت سوم گزینه نادرست است زیرا اشاره به فعلیت رسیدن عقل انسان در کسب معقولات دارد نه تسلط بر معقولات.

گزینه «۴»: عقل هیولایی اولین مرحله عقل بوده که آمادگی درک معقولات را دارد.

(لطفی) (فلسفه دوازدهم - درس هشتم - عقل در فلسفه (۲) - عقل به‌عنوان دستگاه تفکر و استدلال - صفحه ۵۹ و ۶۴)